

تبیین ظرفیت‌های شهرسازی و کالتی جهت ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای کوچک شمال استان همدان)*

سید محمدجواد حسینی مرصع**، امیرحسین پورجوهری***، کیانوش ذاکر حقیقی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۲/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۶/۲۹

چکیده

این تحقیق بر آن است تا با ارائه الگویی از شهرسازی و کالتی در شهرهای کوچک به روشن ساختن ظرفیت‌های شهرسازی و کالتی در جهت ارتقای شاخص‌های اجتماعی شهرهای کوچک بپردازد. پژوهش حاضر جزء پژوهش‌های کاربردی و اکتشافی - تبیینی با روش ترکیبی (کیفی - کمی) است. در بخش کیفی از طریق مصاحبه با خبرگان شامل اساتید دانشگاهی و مسئولان اجرایی شهرهای کوچک شمال استان همدان و با استفاده از استراتژی پدیدارشناسی و تاکتیک تحلیل محتوای مصاحبه (تحلیل تم) و نرم‌افزار تحلیل کیفی MAXQDA 2020 و نرم‌افزار iMindMap 9 مؤلفه‌های شهرسازی و کالتی در شهرهای کوچک و نمودار شبکه مضامین ارائه شد. در بخش کمی تحقیق توصیفی و از نوع زمینه‌یابی است و جهت سنجش نسبت روایی محتوایی و انجام مراحل تکنیک دلفی از آزمون‌های T تک نمونه‌ای و ضریب کندال تحت نرم‌افزار کمی SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد و جهت سنجش مطلوبیت برازش الگوی کمی پژوهش از روش تحلیل عاملی تأییدی به کمک آزمون‌های روایی همگن بودن، روایی همگرا و واگرا و آزمون پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ تحت نرم‌افزار PLS نسخه ۳ انجام شد. نمونه آماری در بخش کیفی بر مبنای اشباع نظری بر اساس کدهای استخراجی از مصاحبه با پنل خبرگان و در بخش کمی ۳۸۴ نفر از شهروندان و شهرهای کوچک شمال استان همدان که شامل شهرهای کبودرآهنگ، رزن و دمق انتخاب شد. در نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل معادلات ساختاری تحت نرم‌افزار PLS مشخص شد که الگوی شهرسازی و کالتی به‌دست‌آمده برای شهرهای کوچک در ارتقا شاخص‌های اجتماعی از برازش مطلوبی برخوردار بودند و شهرسازی و کالتی به میزان ۷۹٪ بر شاخص‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد، بنابراین در کل می‌توان نتیجه گرفت که میان قابلیت‌های شهرسازی و کالتی با ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک ارتباط مؤثری وجود دارد و پیش‌بینی می‌شود که در یک نمونه بزرگ‌تر نیز از همان جامعه (در سایر شهرهای کوچک)، فرضیه پژوهش تأیید گردد.

واژه‌های کلیدی

شهرسازی و کالتی، شاخص‌های اجتماعی، شهرهای کوچک

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول به راهنمایی و مشاور نویسنده دوم و سوم با عنوان «ارائه الگویی جهت کاربست شهرسازی و کالتی در توسعه پایدار شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای کوچک شمال استان همدان)» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس است.

M.hoseinymorasa@gmail.com

** گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Purjoharia@gmail.com

*** گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

K.zakerhaghighi@gmail.com

**** گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

هرنشینی و افزایش جمعیت شهری از ویژگی‌های جوامع معاصر است از طرفی شهرهای کوچک از نظر تعداد بخش بزرگتری از کل شهرها را به خود اختصاص داده است و توسعه این شهرها در ابعاد مختلف یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاستمداران و برنامه‌ریزان شهری است. برای کاهش اثرات منفی تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت در شهرهای بزرگ، لازم است به شهرهای کوچک نیز در راهبردهای ملی و منطقه‌ای توجه شود (Mingaleva et al., 2017). وجود مشکلات و نقایص در شهرهای کوچک، از جمله عدم پایداری در جمعیت و ثبات اقتصادی، همچنین مشکلات ساختاری و عملکردی، همراه با برخی مسائل زیست‌محیطی، به عدم تحقق مشخصه‌های پایداری در این شهرها اشاره دارد. این مسائل نشان‌دهنده نیاز به برنامه‌ریزی جدی در راستای توسعه پایدار و بهبود شرایط زندگی در این مناطق است. (Riffat et al., 2017) نادیده گرفتن اهمیت شهرهای کوچک، به مشکلات اجتماعی نظیر مهاجرت، کاهش جمعیت، افزایش بزهکاری و فقر منجر می‌شود. ناپایداری در شهرها ناشی از عدم برنامه‌ریزی مناسب است که ممکن است به افزایش مشکلات در شهرهای بزرگ یا زوال شهرهای کوچک منجر شود (Aerni, 2016). با توجه به قابلیت‌های شهرهای کوچک، توسعه آنها می‌تواند به راهبردی مؤثر برای جلب جریان‌های جمعیتی باشد. تفاوت‌ها و شکاف‌های اجتماعی باعث شد که بسیاری از برنامه‌ریزان شهری به این نتیجه برسند که برنامه‌ریزی از بالا، مشکلات اجتماعی را تشدید می‌کند یا حداقل نقش کمتری در حل مشکلات اجتماعی ایفا می‌کند (اجلالی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ لذا رویکرد برنامه‌ریزی از پایین و در نظر گرفتن دیدگاه‌های عمومی در برنامه ریزی شهری مورد نظر اندیشمندان شهرسازی قرار گرفت. با قبول کثرت‌گرایی در برنامه‌ریزی، واژه "وکالتی" در ادبیات برنامه‌ریزی شهری با نام پاول دیویدف مطرح شد. در این رویکرد، برنامه‌ریز به عنوان یک وکیل، نقش حمایت‌گر اجتماعات شهری یا روستایی، گروه‌های شغلی، قومی و نژادی، شهرها، مناطق، و حتی کشورها را بر عهده می‌گیرد (اجلالی و همکاران، ۱۳۹۸). برنامه‌ریزی وکالتی با تمرکز بر گروه‌ها و اقشار ضعیف‌تر، سعی در غلبه بر موانع فرهنگی، طبقاتی و زبانی دارد تا ارتباطات افراد را با مراجع ذی‌ربط تسهیل کرده و مشارکت آن‌ها در سیستم‌های کوچک و ساده را تسهیل نماید (Parker & Street, 2017). به نظر می‌رسد در شهرهای کوچک، دستیابی به سرمایه اجتماعی به شکل عملگراییانه‌تری قابل حصول باشد. این امر به دلیل کاهش پیچیدگی در روابط میان شهروندان و مدیران شهری است. (Halseth & Ryser, 2016) در شهرهای کوچک‌تر، ارتباطات به شکل خصوصی‌تر و چهره‌به‌چهره بیشتر حاکم است و امکان‌پذیری ارتباطات واقعی در این محیط‌ها بیشتر می‌شود. با توجه به نظام روابط اجتماعی موجود در شهرهای کوچک و تسلط ساکنان بر ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های رشد و توسعه بومی، برنامه‌ریزی توسعه شهری وکالتی به عنوان یک رویکرد حمایتی از اقشار آسیب‌پذیر و توجه به نیازهای جامعه محلی، می‌تواند به توسعه شهرهای کوچک کمک کند درحالی که این ویژگی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شهرسازی وکالتی با تعامل فعال با شهروندان، می‌تواند عوامل مؤثر در توسعه یا عدم توسعه اجتماعی و اقتصادی این شهرها را شناسایی و مدیریت کند (Aerni, 2016). در رویکرد برنامه‌ریزی وکالتی، برنامه‌ریزان به‌عنوان مدافعان شهروندان، نیازهای جامعه را از طریق ارتباط مستقیم با مردم شناسایی می‌کنند. این برنامه‌ریزان با بیان نیازها و مسائل مردم در سطوح مختلف تصمیم‌گیری، به پیگیری و اجرای مطالبات شهروندان اهتمام ویژه‌ای می‌آورند (Parker & Street, 2017). برنامه‌ریزی وکالتی با فراهم کردن آموزش و ارتقاء دانش شهری شهروندان و بهره‌گیری از متخصصان بومی شهرهای کوچک، به حمایت از حقوق شهروندان در زمینه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای شهر می‌پردازد. (Ozdemir, 2019) این برنامه‌ریزی، با رسیدگی به جنبه‌های پنهان از دیدگاه تصمیم‌سازان غیربومی و آگاه‌سازی آنان از جزئیات چالش‌ها و ظرفیت‌های شهرها، گام‌های مؤثری را برای حل مشکلات حاضر و مواجهه با چالش‌های آینده شهرهای کوچک می‌نماید. لذا در این تحقیق سعی بر آن است تا با روشن ساختن ظرفیت‌های برنامه‌ریزی وکالتی در مواجهه با مسائل اجتماعی توسعه پایدار شهرهای کوچک الگویی از این شیوه برنامه‌ریزی ارائه شود. این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی (کمی و کیفی) با استراتژی و راهبرد پدیدارشناسی و تاکتیک تحلیل محتوای مصاحبه (تحلیل تم) از نوع زمینه‌یابی و نظرسنجی کمی از عموم شهروندان و مدیران نمونه مورد مطالعه در پی آزمون و اثبات این فرضیه می‌باشد که «میان قابلیت‌های برنامه‌ریزی شهری وکالتی در شهرهای کوچک و ارتقای شاخص‌های اجتماعی/ارتباط مؤثری وجود دارد».

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

شهرهای کوچک در سلسله‌مراتب شهری در پایین‌ترین مرتبه و در روابط افقی با دیگر مراکز شهری قرار می‌گیرند. این تقسیم‌بندی بر اساس جمعیت شهرها انجام می‌شود، به‌طوری که در برخی برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی، شهرهایی که جمعیت آنها کمتر از ۵۰ هزار نفر است، به‌عنوان شهر کوچک شناخته می‌شوند (Habibi & Zebardast, 2016). شهرهای کم‌جمعیت می‌توانند نقش پیشروی در تحقق توسعه پایدار

را ایفا کنند. ایجاد تشکیلات و فضاها شهری مناسب می‌تواند منجر به کاهش عدم تعادل اقتصادی، اجتماعی و فضایی شود و برای مناطق محروم راهکارهای خاصی فراهم کند (رئیزی و همکاران، ۱۳۹۹). مفهوم توسعه اجتماعی به معنای تلاش برای ریشه‌کنی فقر و دستیابی به یکپارچگی اجتماعی برنامه‌ها و اقداماتی برای بهبود وضعیت زنان، افزایش دسترسی به آموزش و بهداشت شهروندان، و تخصیص منابع مناسب به اولویت‌های توسعه اجتماعی، است (Mohamed et al, 2019). استفاده از شاخص‌های اجتماعی مناسب و ارزیابی تأثیرات اجتماعی طرح‌ها، در خلاصه‌نگاشت سیاست‌ها و بررسی دوباره طرح‌های توسعه، بسیار مؤثر است. شاخص‌هایی از قبیل: ۱- شاخص دموگرافیک (شامل نرخ غلبه CPR، نرخ کلی باروری و نرخ بقای نوزادان) ۲- شاخص‌های سلامت (شامل درصد مولید رسمی و درصد سو تغذیه کودکان) ۳- شاخص سازگاری زیربنایی (شامل درصد خانوارهایی که به آب قابل شرب دسترسی دارند، درصد خانوارهایی که از امکانات بهداشتی برخوردارند و درصد خانوارهایی که به برق دسترسی دارند) ۴- شاخص‌های دست‌یافته‌های آموزشی (شامل میزان تحصیلات و نسبت معلم به دانش‌آموز) ۵- شاخص محرومیت اقتصادی (شامل نرخ بیکاری و نسبت جینی بر هر خرج کرد مصرفی سرمایه‌ای) ۶- شاخص محرومیت اجتماعی (شامل اختلاف سطح تحصیلات جمعیت زنان و متوسط تحصیلات کل جمعیت و اختلاف سطح نرخ بیکاری زنان نسبت به نرخ کلی بیکاری) می‌توانند در برنامه‌ریزی‌های آینده برای شهرهای کوچک مدنظر برنامه‌ریزان مورد استفاده قرار بگیرند (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰). توسعه یک فرایند گسترده و چندجانبه است که در تمامی جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه تأثیرگذار است و سطوح مختلف زندگی را در بر می‌گیرد (Almeida-Mendes et al, 2018). باتوجه به عدم قطعیت در حوادث اجتماعی غیرمنتظره، تکامل نظریه‌های برنامه‌ریزی نشان می‌دهد که توسعه به‌جای یکپارچگی و خطی بودن نیاز به چندگانگی، چندسطحی، و انعطاف‌پذیری دارد (Zulfiqar & Kausar, 2023). از جمله این مدل‌ها برنامه‌ریزی توسعه محور، برنامه‌ریزی وکالتی^۱ است. برنامه‌ریزی وکالتی به‌صورت یک استراتژی کار در خدمت سازمان‌های اجتماعی، انجمن‌ها و NGOها^۲ قرار می‌گیرد (Guy, 2013). برنامه‌ریزی وکالتی یکی از روش‌های برنامه‌ریزی است که شهروندان را تشویق می‌کند تا از نیازهای خود دفاع کنند و گزینه‌های متعدد و طرح‌های رقابتی در بازار را مطرح می‌کند و همچنین با افزایش ورود عمومی اطلاعات از گزینه‌های متعدد ارائه‌شده توسط گروه‌های مختلف استقبال می‌کند (Zulfiqar & Kausar, 2023). برنامه‌ریزان به‌عنوان نمایندگان یا وکلای گروه‌های هم منفعت^۳ عمل می‌کنند. برنامه‌ریزی وکالتی، باهدف ارتقای شاخص‌های توسعه شهر، به‌ویژه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، به‌عنوان یک زمینه نظری در حوزه برنامه‌ریزی مطرح می‌شود (Castro & Azcárraga, 2010). برای حمایت از گروه‌های مستضعف، برنامه‌ریزان باید دانش و مهارت‌های خود را در اختیار آن‌ها قرار دهند. این رویکرد به‌عنوان برنامه‌ریزی وکالتی، به بهبود توزیع منابع اقتصادی و اجتماعی در جامعه می‌پردازد (Grooms et al, 2018). این رویکرد شرایطی را فراهم می‌کند که افراد نیازمند بتوانند با استفاده از ظرفیت‌ها و باتوجه به اولویت‌بندی نیازهایشان، وضعیت زندگی خود را بهبود بخشند. طرفداران این نظریه آن را به‌عنوان یک چارچوب اصلی برای کمک به اجتماعات کوچک، گروه‌های محلی، شهرهای کوچک و روستاها در نظر می‌گیرند (Castro & Azcárraga, 2010). این نظریه به دلیل عدم توجه به مسائل اجتماعی مانند تبعیض، نپذیرفتن نظرات ساکنان، و عدم شناخت کامل از پتانسیل‌ها و ضعف‌های اقتصادی و اجتماعی در این جوامع، به‌عنوان یک راهکار مؤثر مطرح می‌شود. اهداف برنامه‌ریزی وکالتی همچنین برای ارتباط با گروه‌های اقلیتی و کم‌درآمد جهت دستیابی به توسعه متوازن مطرح می‌شوند. پاول دیویدف^۴ به‌عنوان بنیان‌گذار نظریه شهرسازی وکالتی اهداف این نظریه را به این شرح می‌داند: ۱- توانایی گروه‌های مختلف اجتماعی در اعمال نظر در برنامه‌ها ۲- ارتباط ارزش‌ها و اولویت‌های مردم با برنامه‌ریزی ۳- منصوب نمودن برنامه‌ریز به‌عنوان وکیل گروه‌های نژادی، قومی، و اقلیت‌ها ۴- قراردادن مصلحت عمومی در اولویت اصلی برنامه‌ریزی ۵- ارتقای مشارکت دموکراتیک و تغییرات مثبت اجتماعی ۶- برنامه‌ریزی برای غلبه بر فقر، نژادپرستی و کاهش فاصله اجتماعی (Rao, 2012) ۷- ورود شهرسازی به عرصه سیاسی به‌منظور یافتن قدرت تصمیم‌گیری ۸- برنامه‌ریزی کثرت‌گرا و مطالبه منافع گوناگون، به‌ویژه منافع اقلیت ۹- ترویج امکان مشارکت گروه‌های محروم در تصمیم‌گیری (اجلایی و همکاران، ۱۳۹۸).

در تحقیقی که توره ساگر^۵ در نشریه Planning Perspectives در فوریه ۲۰۲۲ ارائه داده است ۲۰ مورد از تجربه‌های برنامه‌ریزی‌های وکالتی که از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۰ در سراسر جهان صورت گرفته است مورد بررسی قرار داده است و میزان موفقیت این شیوه از برنامه‌ریزی در موارد یادشده را سنجیده است. در این تحقیق پایگاه‌های داده جستجو شده عبارت‌اند از: Google Scholar، Scopus، Web of Science. و Journal of Planning Literature. مجلات Shelterforce و Progressive Planning نیز برای مواردی که جستجو شده‌اند حداقل در یک مقاله یا فصل کتاب در مجله علمی گزارش شده است. در نتایج این تحقیق بیان می‌گردد که برنامه‌ریزی وکالتی برای توسعه اقتصادی در نزدیک به نیمی از موارد بخشی از موضوع است و وظیفه برنامه‌ریزان وکالتی اغلب کمک به ارتقای شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بیان شده است. همچنین توره ساگر بیان می‌دارد که امروزه جایگاه برنامه‌ریزی وکالتی و ارتباط آن با موضوعات جدید مرتبط با عدالت که به نظریه

برنامه‌ریزی راه یافته‌اند، مانند عدالت زیست‌محیطی و برابری اجتماعی، حفظ شده است. این تطابق نظری و قابلیت کاربرد بالقوه برای موضوعات عدالت اجتماعی در تجربیات بررسی شده نشان می‌دهد تقریباً تمام موارد برنامه‌ریزی و کالتی گزارش شده بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۲۰، به مشکلات سنتی اجتماعی از جمله مسکن و حاشیه‌نشینی، کاهش بزهکاری و جرم، کاهش فقر و کاهش مهاجرت معطوف بوده است و این نتایج تجربی تأیید می‌کند که برنامه‌ریزی و کالتی در سمت جانب‌داری جوامع فقیر و کاهش نابرابری‌های اجتماعی است (Sager, 2022). با بررسی تجارب جهانی و تجارب داخلی برنامه‌ریزی و کالتی، جمع‌بندی دستور کارها و آموزه‌هایی جهت ارتقای شاخص‌های اجتماعی شهرهای کوچک به شرح جدول زیر است:

جدول ۱ - جمع‌بندی ظرفیتهای اجتماعی شهرسازی و کالتی

محدودیت‌ها و ضعف‌های اجتماعی موجود در شهرهای کوچک	ظرفیت‌های شهرسازی و کالتی جهت ارتقای شاخص‌های اجتماعی
• عدم علاقه شهروندان به مشارکت • عدم بازنگری واقعی در روابط میان برنامه ریزان، مدیران و شهروندان • عدم موفقیت در تسهیل مشارکت عمومی • ندادن نقش و جایگاه مؤثر به نهادهای مردمی • جایگاهی ظاهری و شعاری مشارکت مردم • ضعف در انعکاس و توجیه خواسته‌ها و نیازهای مردمی • ضعف در فراهم‌سازی مشارکت مردم در مرحله تهیه طرح • عدم شناخت عمیق شوراها از مسائل و مشکلات شهر • ندادن نقش و جایگاه مؤثر به نهادهای مردمی • نداشتن اختیارات و جایگاه قانونی در اعمال تغییرات بر طرح در مراحل اجرا • ضعف در انعکاس و توجیه خواسته‌ها و نیازهای مردمی • کمبود آگاهی و دانش کافی برای مشارکت • ضعف در انعکاس و توجیه خواسته‌ها و نیازهای مردمی	• اطلاق نقش میانجی‌گر به برنامه‌ریز و حرکت سوی به کاهش قدرت برنامه‌ریز • توسعه نقش برنامه‌ریزان به مدافع، معلم و مربی مردم برای تصمیم‌سازی • اعمال نفوذ و کلالی شهری در عرصه سیاسی برای یافتن قدرت تصمیم‌سازی • ارتباط با معتمدین، نخبگان و سایر افراد مورد وثوق جوامع محلی • ایجاد و توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی و NGO ها • افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی با استفاده از رسانه‌های محلی • ایجاد تمایل عموم به حضور گسترده در حل مشکلات • محلی‌گرایی، توجه به مردم محلی به‌پیش بردن توسعه محلی • شناخت نقاط ضعف و قدرت جامعه از طریق مردم • جلوگیری از برنامه‌ریزی مرکزی، بزرگ‌مقیاس، سرمایه بر • تقویت نهادهای محلی و جمع‌بندی موضوعات بر اساس نظرات عامه نه نظرات فرد • حفظ استقلال در توانایی تصمیم‌گیری جوامع محلی • استفاده از ظرفیت مکان‌های عمومی مانند مساجد و حسینیه‌ها و... • بسیج کردن^۷ بهره‌برداری از فشار افکار عمومی • توسعه یک استراتژی ارتباطی • تقویت سرمایه اجتماعی افزایش با همگرایی قومی نژادی و ایجاد مشارکت اجتماعی • فعالیتهای شبکه‌ای ساخت ائتلاف‌هایی با مردم^۸ • استفاده از رسانه‌های خود، و دیگرانی در جهت پیشبرد اهداف^۹ • حفظ استقلال، هویت و مالکیت گروه‌ها برای خودشان • افزایش آگاهی^{۱۰} • اطلاع‌رسانی برنامه‌های به تصویب رسیده • تمرکز بر شکوفایی ظرفیت‌ها و استعدادهای انسانی • کاهش تمرکز ناخواسته صنایع، خدمات • رفع تبعیض‌ها و کاهش نابرابری‌ها شناسایی نیازها و اثربخشی بیشتر خدمات • تعدیل شکاف مناطق محروم و برخوردار • توسعه هماهنگ و یکپارچه و نظام‌یافته سکونتگاه‌ها • رفع مشکلات محرومین و کاهش آسیب‌های اجتماعی

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ نتیجه، جزء پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ هدف جزء تحقیقات اکتشافی - تبیینی است. در بخش کیفی پژوهش حاضر، از راهبرد پدیدارشناسی و تاکتیک تحلیل محتوای مصاحبه (تحلیل تم) استفاده شد. در بخش کمی نیز تحقیق بر اساس ماهیت و روش، تحقیق توصیفی (یا غیرآزمایشی) و از نوع زمینه‌یابی است. جامعه آماری بخش کیفی باتوجه به مسئله و اهمیت پژوهش به دو پنل خبرگان

تبدیل شد که شامل الف) اساتید دانشگاهی با تخصص توسعه پایدار شهری، ب) مسئولان و مدیران اجرایی مرتبط با شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی شهرهای کوچک شمال استان همدان است و با استفاده از نرم‌افزار تحلیل کیفی MAXQDA نسخه ۲۰۲۰ شناسایی و کشف خواهد شد. همچنین جهت سنجش نسبت روایی محتوایی و انجام مراحل تکنیک دلفی از آزمون‌های T تک نمونه‌ای و ضریب کندال تحت نرم‌افزار کمی SPSS نسخه ۲۶ استفاده خواهد شد. حجم جامعه آماری بر اساس جدید بودن و تکراری نبودن کدهای استخراجی از مصاحبه با پنل خبرگان است و جامعه آماری بخش کمی در برگیرنده تمامی شهروندان، مدیران، مسئولان و کارشناسان حوزه توسعه پایدار شهرهای کوچک استان همدان که شامل شهرهای کبودرآهنگ و رزن و دمق در قالب سازمان‌های ذی‌ربط در سال ۱۴۰۱ بودند، و جهت سنجش مطلوبیت برازش الگوی کمی پژوهش از روش تحلیل عاملی تأییدی به کمک آزمون‌های روایی همگن بودن، روایی همگرا و واگرا و آزمون پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ تحت نرم‌افزار PLS نسخه ۳ انجام خواهد شد. نمونه آماری بر اساس حجم نمونه آماری با روش در دسترس هدفمند بر مبنای اشباع نظری و تئوریک بر اساس کدهای استخراجی از مصاحبه با پنل خبرگان، انتخاب شد و ۳۸۴ نفر از شهروندان، مدیران، مسئولان و کارشناسان حوزه توسعه پایدار شهرهای کوچک استان همدان که شامل شهرهای کبودرآهنگ، رزن و دمق در این پژوهش شرکت داشتند.

یافته‌های تحقیق

ابزارهای تجزیه و تحلیل نشان دادند که از بین ۳۸۴ نفر از شهروندان، مدیران، مسئولان و کارشناسان حوزه توسعه پایدار شهرهای کوچک استان همدان که شامل شهرهای کبودرآهنگ، رزن و دمق در این پژوهش شرکت داشتند که ۲۷۴ نفر از آنان مرد و ۱۱۰ نفر، زن بودند. اکثر شرکت‌کنندگان با تعداد فراوانی ۱۵۰ نفر، بیان داشتند که بین ۳۱ الی ۴۰ سال سن دارند و کمترین آنها با تعداد فراوانی ۳۱ نفر، بیشتر از ۵۱ سال بودند. از طرفی، ۲۳۹ نفر از افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر کمتر از ۴۰ سال سن داشتند. بیشتر شرکت‌کنندگان در پژوهش با تعداد فراوانی ۱۶۶ نفر، دارای تحصیلاتی در سطح تا دیپلم بوده و کمترین شرکت‌کنندگان در پژوهش با تعداد فراوانی ۱۸ نفر دارای تحصیلاتی در سطح فوق لیسانس و بالاتر بود. همچنین ۱۵۹ نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش دارای تحصیلات در سطح لیسانس بودند. بیشتر شرکت‌کنندگان در پژوهش با تعداد فراوانی ۹۰ نفر، کمتر از ۵ سال تجربه خدمتی داشته و کمترین آنها با تعداد فراوانی ۴۸ نفر، بین ۲۱ الی ۲۵ سال سابقه شغلی داشتند. از طرفی، ۲۷۵ نفر از افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر کمتر از ۲۰ سال تجربه کاری داشتند. بیشتر شرکت‌کنندگان در پژوهش با تعداد فراوانی ۱۰۹ نفر، در شهر دمق زندگی می‌کردند و ۹۴ نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش در شهرستان کبودرآهنگ و ۸۹ نفر ساکن شهرستان رزن بودند. از طرفی، ۹۲ نفر از افراد مورد مطالعه نیز در سایر شهرهای استان همدان زندگی می‌کردند. در پژوهش انجام شده شهرسازی و کالتی با مؤلفه‌های مالی، مسئولیت‌پذیری، مشارکتی، توانمندی، عدالت، تصمیم‌سازی و آموزشی، معرفی شدند و در بین این ابعاد، بیشترین میانگین با مقدار ۳/۶۵ مربوط به ابعاد مسئولیت‌پذیری و آموزشی بوده و کمترین میانگین با مقدار ۳/۴۲، مربوط به بعد تصمیم‌سازی بود. ابعاد شاخص‌های اجتماعی با مؤلفه‌های عدالت، حمل‌ونقل، آموزشی، خدماتی، سرمایه اجتماعی، درمانی، معرفی شدند در بین ابعاد شاخص‌های اجتماعی، بیشترین میانگین مربوط به سرمایه اجتماعی با مقدار ۳/۸۶ و کمترین میانگین مربوط به بعد درمانی با مقدار ۳/۴ می‌باشد. جدول ۲ به بررسی اطلاعات آماری مربوط به میزان ابعاد شهرسازی و کالتی از منظر شرکت‌کنندگان در پژوهش می‌پردازد. جدول ۳ به بررسی اطلاعات آماری مربوط به میزان ابعاد شاخص‌های اجتماعی از نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش می‌پردازد.

جدول ۲ - شاخص‌های آماری مربوط به میزان ابعاد شهرسازی و کالتی

ابعاد شهرسازی و کالتی	میانگین	درصد	انحراف معیار	واریانس
مالی	۳/۶۳	۷۲/۶	۰/۸۶۲	۰/۷۴۳
مسئولیت‌پذیری	۳/۶۵	۷۳	۰/۹۴۷	۰/۸۹۸
مشارکتی	۳/۵	۷۰	۰/۸۸۲	۰/۷۷۹
توانمندی	۳/۵۵	۷۱	۰/۸۶۵	۰/۷۴۸
عدالت	۳/۵۸	۷۱/۶	۰/۹۵۲	۰/۹۰۷
تصمیم‌گیری	۳/۴۲	۶۸/۴	۰/۹۲۹	۰/۸۶۴
آموزشی	۳/۶۵	۷۳	۱/۰۵۱	۱/۱۰۶

جدول ۳ - شاخص‌های آماری مربوط به میزان ابعاد اجتماعی شهرهای کوچک

ابعاد شهرسازی اجتماعی	میانگین	درصد	انحراف معیار	واریانس
عدالت	۳/۷۳	۷۴/۶	۰/۹۲	۰/۸۴۷
حمل و نقل	۳/۵۶	۷۱/۲	۱/۰۱۷	۱/۰۳۶
آموزشی	۳/۸۱	۷۶/۲	۰/۸۷۳	۰/۷۶۳
خدماتی	۳/۸۵	۷۷	۰/۹۳۴	۰/۸۷۲
سرمایه اجتماعی	۳/۶۸	۷۳/۶	۰/۸۷۴	۰/۷۶۵
درمانی	۳/۴	۶۸	۱/۰۴۱	۱/۰۸۶

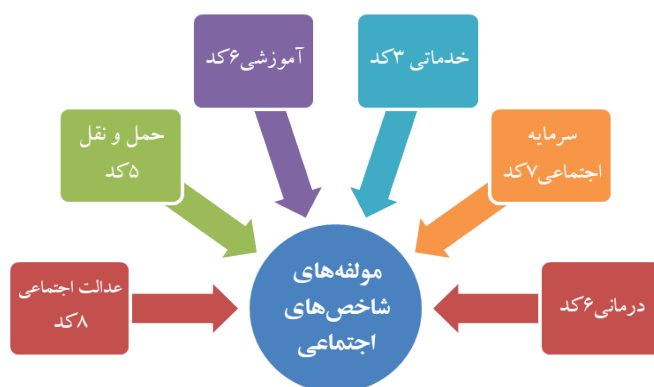
جدول ۳ نشان می‌دهد که در بین ابعاد شاخص‌های اجتماعی، بیشترین میانگین مربوط به خدماتی با مقدار ۳/۸۵ و کمترین میانگین مربوط به درمانی با مقدار ۳/۴ می‌باشد. از طرفی ابعاد درمانی و آموزشی بیشترین و کمترین پراکندگی نمرات را دارند. جهت شناسایی مهم‌ترین مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک از طریق مصاحبه با رویکرد تحلیل کیفی به شیوه تحلیل مضمون به‌توسط نرم‌افزار MAXQDA-12 با تعداد ۱۲ نفر خبرگانی که در برگیرنده اساتید دانشگاهی و مسئولان، مدیران اجرایی، کارشناسان و اعضای شورای شهرهای کوچک دارای تخصص علمی و سابقه کاری در زمینه‌های مذکور بودند به‌صورت هدفمند و با در نظر گرفتن اشیاع نظری انتخاب شده بودند در زمینه مهم‌ترین مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک از آنها سؤالاتی پرسیده شد. جواب سؤالات آنها به تفکیک هریک از ۱۲ نفر خبره شرکت‌کننده در بخش کیفی پژوهش جمع‌بندی شد و بر اساس نتایج حاصله مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک در قالب کدهای‌های باز (یافتن معقولات مفهومی) و محوری (ارتباط بین معقولات) مورد بررسی قرار گرفت؛ لذا در جدول ۷ کدهای باز و محوری به تفکیک هر شرکت‌کننده نسبت مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک نشان می‌دهد.

جدول ۴ - کدهای باز و محوری مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی به تفکیک مصاحبه‌شوندگان

کد	کدها (از کدباز به کد محوری)	مشارکت‌کننده
۱	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / عدالت / عدالت اجتماعی	۳
۲	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / عدالت اجتماعی / اتخاذ سیاست‌های محلی	۲
۳	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / عدالت اجتماعی / توزیع عادلانه خدمات از جانب حاکمیت	۳
۴	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / عدالت / عدالت اجتماعی (در نظر گرفتن منافع کل به‌جای منافع گروه خاص)	۴
۵	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / عدالت اجتماعی / آشنایی مردم با حقوق خود	۳
۶	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / عدالت اجتماعی / احساس امنیت فردی و عمومی	۵
۷	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / عدالت اجتماعی / احساس امنیت فردی و عمومی	۱۱
۸	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / عدالت اجتماعی / عدالت جنسیتی	۱۰
۹	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / حمل و نقل / حمل و نقل عمومی و همگانی	۵
۱۰	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / حمل و نقل / حمل و نقل عمومی و همگانی	۶
۱۱	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / حمل و نقل / حمل و نقل عمومی و همگانی	۷
۱۲	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / حمل و نقل / حمل و نقل عمومی و همگانی	۱۲
۱۳	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / حمل و نقل / دسترسی به راه‌ها و شبکه‌های حمل و نقل مناسب بین شهری	۹
۱۴	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / آموزشی / آموزش و پرورش باسواد جمعیت عمومی	۷
۱۵	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / آموزشی / آموزش و پرورش باسواد جمعیت عمومی	۹
۱۶	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / آموزشی / برخورداری از امکانات اوقات فراغت	۸

کد	کدها (از کد باز به کد محوری)	مشارکت‌کننده
۱۷	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / آموزشی / دسترسی به امکانات آموزشی	۱۰
۱۸	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / آموزشی / دسترسی به امکانات آموزشی	۱۱
۱۹	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / توسعه آموزش و پرورش و آموزش عالی	۵
۲۰	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / خدماتی / دسترسی به خدمات زیربنایی	۹
۲۱	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / خدماتی / توانمندسازی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs)	۵
۲۲	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / خدماتی / خدمات سلامت و بهداشت و درمان سیاست‌های جمعیتی	۱۰
۲۳	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / سرمایه اجتماعی / داشتن اعتماد عمومی و اجتماعی	۷
۲۴	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / سرمایه اجتماعی / همبستگی و انسجام اجتماعی	۱۱
۲۵	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / سرمایه اجتماعی / ایجاد تعلق خاطر به مسائل محلی، قومی و مذهبی	۱۲
۲۶	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / سرمایه اجتماعی / کاهش واگرایی مذهبی و دینی	۸
۲۷	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / سرمایه اجتماعی / رسیدگی به وضعیت سالمندان	۵
۲۸	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / سرمایه اجتماعی / نظم اجتماعی	۷
۲۹	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / سرمایه اجتماعی / نظم اجتماعی	۱۱
۳۰	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / درمانی / مشاوره و هدایت برای پیشگیری از طلاق	۹
۳۱	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / درمانی / مشاوره برای پیشگیری از اعتیاد و بزهکاری	۱
۳۲	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / درمانی / مشاوره برای پیشگیری از اعتیاد و بزهکاری	۱۲
۳۳	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / درمانی / درمان اعتیاد و مشکلات روحی و روانی	۱۲
۳۴	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / درمانی / مشاوره برای کنترل جمعیت	۹
۳۵	مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی / درمانی / مشاوره برای کنترل جمعیت	۱۰

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک بر اساس نظرات ۱۲ نفر از خبرگان در دسته‌بندی‌های مختلف و در ۳۵ کد باز آورده شده‌اند. از طرفی ارتقای شاخص‌های اجتماعی دارای کدهای محوری عدالت شهری با ۸ کد، حمل‌ونقل با ۵ کد، آموزشی با ۶ کد، خدماتی با ۳ کد، سرمایه اجتماعی با ۷ کد، درمانی با ۶ کد و ۷ کد می‌باشد. همچنین در شکل شماره ۴-۳ نمودار شبکه مضامین مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک با نرم‌افزار iMindMap نسخه ۹ به قرار ذیل می‌باشد.



تصویر شماره ۱ - نقشه ذهنی مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک

نسبت روایی محتوایی: حال بعد از مشخص‌شدن مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک از طریق مصاحبه با خبرگان، فرم نسبت روایی محتوایی به خبرگان ارائه می‌شود تا سودمند بودن و یا نبودن هر یک از این عوامل از منظر این خبرگان مورد بررسی قرار گرفته شود و روایی مورد سنجش واقع گردد نسبت روایی محتوایی که با اختصار CVR نشان داده و کمی‌سازی می‌شود، نسبت روایی محتوایی تکنیکی را

توصیف می‌کند که باهدف استنباط سازی به کار برده می‌شود و به صورتی هدفمند و نظام یافته‌ای در راستای شناسایی ویژگی‌های خاص یک پیام گام بر می‌دارد که حداقل مقادیر قابل قبول CVR بر اساس تعداد خبرگان مطابق فرمول زیر در صورتی که ne تعداد افرادی که برای هر سؤال گزینه سودمند بودن را انتخاب کرده‌اند و N تعداد کل خبرگان شرکت‌کننده باشند (Lawshe, 1975) برای ۱۲ نفر شرکت‌کننده ۰/۵۶ است:

$$CVR_{min} = (ne - N/2) / N/2$$

در مرحله روایی محتوایی، ۲۶ سؤال بسته برگرفته از ادبیات و پیشینه پژوهش و یک سؤال باز که در خصوص توضیحات جانبی پرسشنامه بود، در قالب فرم اعتبارسنجی CVR به ۱۲ نفر خبره در خصوص سودمند بودن سؤالات داده شد و بعد از تحلیل فرم اعتبارسنجی CVR، سؤالاتی که سودمند بودند، برای مرحله اول تکنیک دلفی مشخص شدند که ۲۶ سؤال باقی ماندند. سپس با توجه حداقل مقادیر قابل قبول CVR به بررسی پذیرش و رد سؤالات پرسشنامه پرداخته شد و از آنجا که دو سؤال حداقل مقدار ۰/۵۶ را کسب نکردند بنابراین ۲۴ سؤال مورد پذیرش قرار گرفت و برای مرحله اول تکنیک دلفی مورد استفاده قرار گرفتند.

جدول ۵- مرحله سوم تکنیک دلفی مربوط به سؤال اصلی چهارم پژوهش

ردیف	سؤال	آزمون کندال					آزمون t تک نمونه‌ای	
		ضریب کندال	آماره خی‌دو	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	میانگین	آماره t	سطح معنی‌داری
۱	توزیع عادلانه خدمات از جانب حاکمیت	۱۳/۸۸				۴/۸۳	۱۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
۲	در نظر گرفتن منافع کل به جای منافع گروه خاص	۱۳/۸۸				۴/۸۳	۱۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
۳	احساس امنیت فردی و عمومی	۶/۰۸				۴/۰۸	۱۳/۰۰۰	۰/۰۰۰
۴	عدالت جنسیتی (فرصت‌های برابر برای زنان و مردان)	۵/۰۸				۳/۹۲	۱۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
۵	مشاوره برای پیشگیری از اعتیاد و بزهکاری	۶/۰۸				۴/۰۸	۱۳/۰۰۰	۰/۰۰۰
۶	آشنایی مردم با حقوق شهروندی خود	۱۵/۱۷				۵/۰۰	۹/۷۵۳	۰/۰۰۰
۷	حمل و نقل عمومی و همگانی	۱۳/۴۲				۴/۷۵	۱۳/۰۰۰	۰/۰۰۰
۸	دسترسی به راه‌ها و شبکه‌های حمل و نقل مناسب بین شهری	۶/۲۱				۴/۰۸	۱۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
۹	برخورداری از امکانات اوقات فراغت	۵/۰۸	۰/۷۳۲	۱۶۶/۹۸۳	۱۹	۳/۹۲	۲۳/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۰	دسترسی به امکانات آموزشی	۱۴/۴۲				۴/۹۲	۱۳/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۱	توسعه آموزش و پرورش و آموزش عالی	۱۵/۱۷				۵/۰۰	۲۳/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۲	دسترسی به خدمات زیربنایی	۶/۲۱				۴/۰۸	۹/۷۵۳	۰/۰۰۰
۱۳	خدمات سلامت و بهداشت و درمان	۱۴/۴۲				۴/۹۲	۱۳/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۴	داشتن اعتماد عمومی و اجتماعی	۱۳/۴۲				۴/۷۵	۱۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۵	همبستگی و انسجام اجتماعی	۶/۲۱				۴/۰۸۳۳	۲۳/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۶	ایجاد تعلق خاطر به مسائل محلی، قومی و مذهبی	۵/۰۸				۳/۹۱۶۷	۱۳/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۷	رسیدگی به وضعیت سالمندان	۱۴/۴۲				۴/۹۱۶۷	۲۳/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۸	مشاوره و هدایت برای پیشگیری از طلاق	۱۵/۱۷				۵/۰۰۰۰	۱۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
۱۹	درمان اعتیاد و مشکلات روحی و روانی	۶/۲۱				۴/۰۸۳۳	۱۱/۰۰۰	۰/۰۰۰
۲۰	مشاوره برای کنترل جمعیت	۱۴/۴۲				۴/۹۱۶۷	۱۳/۰۰۰	۰/۰۰۰

در مرحله اول تکنیک دلفی از آزمون کندال، ضریب کندال ۰/۲۹۳ بدست آمد که نشان‌دهنده تقریباً ۲۹ درصد هماهنگی بین نظرات پاسخ‌دهندگان بود که این مقدار می‌بایست بیشتر از ۷۰٪ باشد. همچنین سطح معنی‌داری آزمون کندال کمتر از ۰/۰۵ بود که گویای این مطلب است، این هماهنگی بین نظرات پاسخ‌دهندگان معنادار است. بنابراین برای ارتقای ضریب کندال، لازم شد که مرحله دوم تکنیک دلفی

انجام شود. از سوی دیگر چون سطح معنی‌داری تک‌تک سؤالات پرسشنامه به غیر از سوال‌های ۱۱ و ۱۷ از آزمون t تک نمونه‌ای کمتر از ۰/۰۵ شد، بنابراین بین میانگین هر سوال به غیر از سوال‌های ۱۱ و ۱۷ و مقدار ارزشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. لذا چون سطح معنی‌داری سوال‌های ۱۱ و ۱۷ بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشند، بنابراین این سوال‌ها در این مرحله از تکنیک دلفی از پرسشنامه حذف می‌شوند. بنابراین برای مرحله دوم تکنیک دلفی، ۱۳ سوال باقی ماند و به عبارتی ۲۲ سوال باقی مانده مجدد آزمون شد.

بر اساس نتایج آزمون کندال در مرحله دوم تکنیک دلفی، ضریب کندال حدود ۰/۴۷۷ بدست آمد که این امر نشان دهنده، تقریباً ۴۸٪ هماهنگی بین نظرات پاسخ‌دهندگان، بود بنابراین برای ارتقای ضریب کندال به حداقل ۷۰٪، لازم شد که مرحله سوم تکنیک دلفی انجام شود. از سوی دیگر، چون سطح معنی‌داری تک‌تک سؤالات پرسشنامه به غیر از سوال‌های ۱ و ۲ از آزمون t تک نمونه‌ای کمتر از ۰/۰۵ هستند، بنابراین بین میانگین هر سوال به غیر از سوال‌های ۱ و ۲ و مقدار ارزشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. لذا چون سطح معنی‌داری سوال‌های ۱ و ۲ بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشند، بنابراین این سوال‌ها در این مرحله از تکنیک دلفی از پرسشنامه حذف می‌شوند. لذا برای مرحله سوم تکنیک دلفی، ۱۳ سوال باقی خواهند ماند و به عبارتی ۲۰ سوال باقی مانده مجدد آزمون خواهند شد.

بر اساس نتایج جدول فوق می‌توان گفت که از آزمون کندال، ضریب کندال ۰/۷۳۲ است که این امر نشان می‌دهد، هماهنگی بین نظرات پاسخ‌دهندگان، تقریباً ۷۳٪ است که بیشتر از ۷۰٪ است. همچنین سطح معنی‌داری آزمون کندال کمتر از ۰/۰۵ است که گویای این مطلب است، این هماهنگی بین نظرات پاسخ‌دهندگان معنادار است. بنابراین به دلیل این که ضریب کندال بزرگتر از ۷۰٪ است، تکنیک دلفی به اتمام می‌رسد. از سوی دیگر میانگین تمامی سؤالات پرسشنامه بیشتر از مقدار ارزشی (گزینه «تأخیری» پرسشنامه = ۳) است و از طرفی چون سطح معنی‌داری تک‌تک سؤالات پرسشنامه از آزمون t تک نمونه‌ای کمتر از ۰/۰۵ هستند، بنابراین بین میانگین هر سوال و مقدار ارزشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. حال می‌توان گفت که مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک در جدول شماره ۴-۲۴ آورده شده‌اند.

جدول ۶ - مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک

شماره	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
۱	عدالت اجتماعی	توزیع عادلانه خدمات از جانب حاکمیت
۲		در نظر گرفتن منافع کل به جای منافع گروه خاص
۳		عدالت جنسیتی (فرصت‌های برابر برای زنان و مردان)
۴		آشنایی مردم با حقوق شهروندی خود
۵	حمل و نقل	احساس امنیت فردی و عمومی
۶		حمل و نقل عمومی و همگانی
۷		دسترسی به راه‌ها و شبکه‌های حمل و نقل مناسب بین شهری
۸	آموزشی	توسعه آموزش و پرورش و آموزش عالی
۹		برخوردارگی از امکانات اوقات فراغت
۱۰		دسترسی به امکانات آموزشی
۱۱	خدماتی	دسترسی به خدمات زیربنایی
۱۲		خدمات سلامت و بهداشت و درمان
۱۳		داشتن اعتماد عمومی و اجتماعی
۱۴	سرمایه اجتماعی	همبستگی و انسجام اجتماعی
۱۵		ایجاد تعلق خاطر به مسائل محلی، قومی، مذهبی و...
۱۶		رسیدگی به وضعیت سالمندان
۱۷	درمانی	مشاوره و هدایت برای پیشگیری از طلاق
۱۸		مشاوره برای پیشگیری از اعتیاد و بزهکاری
۱۹		درمان اعتیاد و مشکلات روحی و روانی
۲۰		مشاوره برای کنترل جمعیت

جهت شناسایی مهم‌ترین مؤلفه‌های شهرسازی و کالتی در توسعه پایدار شهرهای کوچک نیز از طریق مصاحبه با تعداد ۱۲ نفر خبره با روش و رویکرد مرحله قبل تحلیل کیفی به شیوه تحلیل مضمون با نرم‌افزار MAXQDA-12 انجام شد و بر اساس نتایج انجام سه مرحله تکنیک دلفی در آزمون کندال مرحله سوم، ضریب کندال ۰/۷۱۱ به دست آمد که این امر نشان‌دهنده هماهنگی بین نظرات پاسخ‌دهندگان است. همچنین سطح معنی‌داری آزمون کندال کمتر از ۰/۰۵ است که گویای این مطلب است، این هماهنگی بین نظرات پاسخ‌دهندگان معنادار است و از طرفی چون سطح معنی‌داری تک‌تک سؤالات پرسش‌نامه از آزمون t تک نمونه‌ای کمتر از ۰/۰۵ هستند، لذا بعد از اتمام مراحل تکنیک دلفی می‌توان گفت که مؤلفه‌های شهرسازی و کالتی در توسعه پایدار شهرهای کوچک در جدول ۷ آورده شده‌اند.

جدول ۷ - مؤلفه‌های شهرسازی و کالتی در توسعه پایدار شهرهای کوچک

شماره	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
۱	غلبه بر فقر	
۲	مالی	کاهش فاصله اقشار بالا و پایین
۳		مشارکت مردم در تأمین سرمایه و سرمایه‌گذاری
۴	مسئولیت‌پذیری	افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی
۵		تمایل عموم به حضور گسترده در حل مشکلات
۶		ارتباط با معتمدین، نخبگان و سایر افراد مورد وثوق جوامع محلی
۷		مشارکت کنترل شده شهروندان در قالب ارائه راهکار - راهبرد - نتیجه‌گیری
۸	مشارکتی	رسیدن به راهکارهای مؤثر با استفاده از خرد جمعی و ایجاد اتفاق نظر
۹		بسیج‌شدن مردم برای حل مشکلات و جلب مشارکت ساکنان در اجرای برنامه‌ها
۱۰		مشارکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی توسط ساکنان شهرهای کوچک
۱۱		تأمین منافع و نظرات گروه‌های مختلف
۱۲		توانمندسازی توسط سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs)
۱۳	توانمندی	پرورش مهارت‌های شغلی
۱۴		ارتباط مستقیم و چهره‌به‌چهره برنامه‌ریزان و مسئولان برای توضیح جزئیات مشکل و یافتن راه حل پیشنهادی
۱۵		استفاده از رسانه‌های محلی رادیو، روزنامه، شبکه‌های مجازی و... برای ارتباط مردم با مسئولان
۱۶	عدالت	خارج کردن شهرسازی از انحصار اقشار اقلیت‌گرا
۱۷	تصمیم‌گیری	ورود شهرسازی به عرصه سیاسی برای یافتن قدرت تصمیم‌گیری
۱۸		توسعه نقش برنامه‌ریزان به مدافع مردم، معلم و مربی
۱۹	آموزشی	آموزش، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به ساکنان
۲۰		استفاده از ظرفیت مکان‌های عمومی مانند مساجد و حسینیه‌ها و... برای برگزاری دوره‌ها و جلسه‌ها، و نیازسنجی

جهت بررسی مطلوبیت برازش مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اقتصادی در شهرهای کوچک از تحلیل معادلات ساختاری تحت نرم‌افزار PLS به بررسی معناداری مدل ساختاری می‌پردازیم. جدول ۸ آزمون معناداری مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۸ - مطلوبیت برازش مدل مؤلفه‌های اجتماعی در شهرهای کوچک

روابط	ضریب مسیر (بتا)	انحراف معیار	آماره t-value	سطح معنی‌داری	نتیجه
مؤلفه‌های اجتماعی → عدالت اجتماعی	۰/۹۲۶	۰/۰۰۸	۱۱۹/۶۱۳	۰/۰۰۱	معنادار
مؤلفه‌های اجتماعی → حمل و نقل	۰/۸۵۹	۰/۰۱۴	۶۰/۶۰۳	۰/۰۰۱	معنادار
مؤلفه‌های اجتماعی → آموزشی	۰/۹۴۴	۰/۰۰۶	۱۴۹/۰۲۷	۰/۰۰۱	معنادار
مؤلفه‌های اجتماعی → خدماتی	۰/۹۱	۰/۰۱۳	۶۷/۸۳۴	۰/۰۰۱	معنادار
مؤلفه‌های اجتماعی → سرمایه اجتماعی	۰/۹۲۶	۰/۰۰۸	۱۱۹/۰۸۱	۰/۰۰۱	معنادار
مؤلفه‌های اجتماعی → درمانی	۰/۸۹۸	۰/۰۰۹	۹۶/۶۱۶	۰/۰۰۱	معنادار

بر اساس جدول ۸ می‌توان نتیجه گرفت که مقادیر t-value برای روابط فوق خارج از بازه ۲/۵۸ و ۲/۵۸- می‌باشند و لذا این روابط با سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار هستند. حال با توجه به آزمون‌های پیش‌روی، قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک مورد سنجش قرار می‌گیرد.

جدول ۹- قدرت پیش‌بینی مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اقتصادی در شهرهای کوچک

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	متغیر ملاک			
		نتیجه	Gof	نتیجه	شاخص استون - گیسر Q^2
مؤلفه‌های اجتماعی	۰/۸۲۹	بسیار قوی	۰/۶۹۸	بسیار قوی	۰/۶۳۲
				بسیار قوی	نتیجه

جدول ۹ نشان می‌دهد که شاخص R^2 تنظیم شده برای متغیر ملاک با درون زا آورده شده است و مقدار آن با سه مقدار ۰/۱۹ (کیفیت پیش‌بینی ضعیف)، ۰/۳۳ (کیفیت پیش‌بینی متوسط) و ۰/۶۷ (کیفیت پیش‌بینی قوی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. این امر گویای این مطلب است که الگوی شاخص‌های اجتماعی به میزان ۸۳٪ و به صورتی بسیار قوی، مؤلفه‌های شاخص‌های اجتماعی را به عنوان متغیر درون زا و یا ملاک مورد پیش‌بینی قرار می‌دهد. از طرفی آزمون Gof که مربوط به شاخص نیکویی برازش می‌باشد، با مقدار ۰/۶۹۸ با سه مقدار استاندارد ۰/۰۱ (کیفیت سنجی ضعیف)، ۰/۲۶ (کیفیت سنجی متوسط) و ۰/۳۶ (کیفیت سنجی قوی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و مشخص می‌شود که قدرت برازش این نرم افزار جهت بررسی مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اقتصادی در شهرهای کوچک در حد بسیار قوی است. همچنین شاخص استون-گیسر Q^2 برای متغیر درون‌زا آورده شده است و مقادیر آنها با سه مقدار ۰/۰۲ (کیفیت مدل ساختاری ضعیف)، ۰/۱۵ (کیفیت مدل ساختاری متوسط) و ۰/۳۵ (کیفیت مدل ساختاری قوی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. لذا مشخص شد که برای مؤلفه‌های شاخص‌های اجتماعی به میزان ۶۳٪ است و این شاخص نشان می‌دهد که کیفیت مدل ساختاری در شناسایی مؤلفه‌های ارتقای شاخص‌های اقتصادی در شهرهای کوچک به صورتی قوی ارزیابی می‌شود.

آزمون روایی مدل اندازه‌گیری (روایی سازه): آزمون روایی مدل بر اساس روایی همگرا و واگرا مورد سنجش قرار می‌گیرد. روایی همگرا در رابطه با آزمون میانگین واریانس استخراجی (AVE) و آزمون مقایسه ضریب پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراجی است و روایی واگرا در رابطه با آزمون فورنل و لارکر^{۱۱} است. همان‌طور که از نتایج مشخص شد، برای تمامی متغیرها و به‌خصوص ابعاد که دارای سؤال می‌باشند، میانگین واریانس استخراجی یا ضریب پایایی اشتراکی بیشتر از ۰/۵ بود؛ بنابراین روایی همگرایی مدل اندازه‌گیری مورد تأیید قرار می‌گیرد و این نشان می‌دهد که سؤالات هر بعد با یکدیگر همگرایی لازم را دارند، به عبارتی، سؤالات اندازه‌گیری کننده هر متغیر با یکدیگر همبستگی دارند.

در رابطه با روایی واگرا آزمون فورنل و لارکر مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت بین متغیرها روایی واگرا وجود دارد و به عبارتی می‌توان گفت که بین سؤالات هر متغیر نسبت به سؤالات متغیر دیگر واگرایی و یا عدم هم خطی وجود دارد.

آزمون پایایی: در این بخش پایایی مدل اندازه‌گیری بر اساس آزمون آلفای کرونباخ^{۱۲}، آزمون پایایی ترکیبی^{۱۳} و آزمون اسپیرمن^{۱۴} مورد سنجش قرار می‌گیرد. بر اساس مقادیر به‌دست‌آمده می‌توان نتیجه گرفت که ضرایب آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۷ بوده و بنابراین همبستگی بین سؤالات متغیرها در خارج از مدل اندازه‌گیری مورد تأیید قرار می‌گیرند و متغیرها در خارج از مدل اندازه‌گیری دارای همسانی درونی هستند. و از آنجا که تمامی ضرایب بیشتر از ۰/۷ هستند، بنابراین این آزمون ناپارامتریک سنجش می‌شود که بتواند همبستگی بین سؤالات متغیرها را برای طیف لیکرت پنج گزینه‌ای مورد بررسی قرار دهد. همچنین از آنجا که پایایی ترکیبی برای تمام متغیرها بیشتر از ۰/۷ است، لذا بین سؤالات هر متغیر در داخل مدل اندازه‌گیری نیز همبستگی وجود دارد. از آنجا که در پایایی اشتراکی به این موضوع پرداخته می‌شود که هر سوال به تنهایی از یک مدل به مدل دیگر چقدر تعمیم‌پذیری دارد، بنابراین پایایی اشتراکی برای هر دو متغیر اول مورد تأیید قرار می‌گیرد، زیرا این مقادیر همگی بیشتر از ۰/۵ هستند.

کیفیت مدل اندازه‌گیری: کیفیت مدل اندازه‌گیری با استفاده از آزمون روایی متقاطع شاخص اشتراکی^{۱۵} به بررسی کیفیت اندازه‌گیری متغیرها بر اساس سؤالات آنها می‌پردازد. در جدول ۱۰ کیفیت مدل اندازه‌گیری پژوهش برای تک‌تک متغیرها آورده شده است:

جدول ۱۰- کیفیت مدل اندازه‌گیری پژوهش

متغیر	کیفیت مدل	نتیجه
شهرسازی و کالتی	۰/۴۹۹	بسیار قوی
مؤلفه‌های اجتماعی	۰/۵۸۹	بسیار قوی

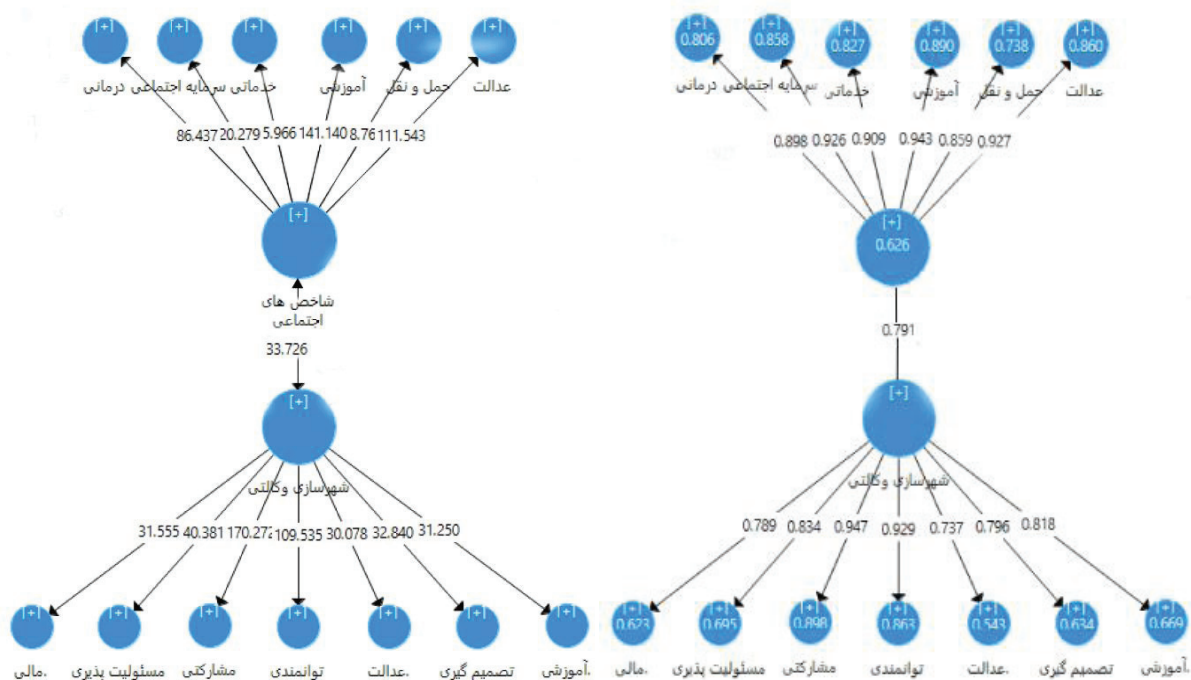
مقادیر هر متغیر با سه مقدار ۰/۰۲ (کیفیت مدل اندازه‌گیری ضعیف)، ۰/۱۵ (کیفیت مدل اندازه‌گیری متوسط) و ۰/۳۵ (کیفیت مدل اندازه‌گیری قوی) مورد ارزیابی قرار گرفتند و مشخص شد که کیفیت مدل اندازه‌گیری متغیرهای شهرسازی و کالتی، شاخص‌های اقتصادی و شاخص‌های اجتماعی در سطح بسیار قوی هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

آزمون فرضیه پژوهش: جهت بررسی فرضیه پژوهش (بررسی ارتباط مؤثر میان ظرفیت‌های شهرسازی و کالتی در شهرهای کوچک با ارتقای شاخص‌های اجتماعی) از تحلیل معادلات ساختاری تحت نرم‌افزار PLS استفاده می‌گردد. جدول ۱۱ آزمون معناداری فرضیه را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱- بررسی فرضیه اول پژوهش

روابط	ضریب مسیر (بتا)	انحراف معیار	آماره t-value	سطح معنی‌داری	نتیجه
شهرسازی و کالتی شاخص‌های اجتماعی	۰/۷۹۱	۰/۰۲۳	۳۳/۷۲۶	۰/۰۰۱	معنادار



تصویر ۲- مدل اندازه‌گیری پژوهش در حالت تخمین ضرایب و معناداری ضرایب

بر اساس جدول ۱ می‌توان نتیجه گرفت که مقدار t -value برای رابطه فوق خارج از بازه $2/58$ و $-2/58$ می‌باشد و لذا این رابطه با سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است. از طرفی، از ضریب بتا می‌توان به این نتیجه دست یافت که شهرسازی و کالتی به میزان ۷۹٪ بر شاخص‌های اجتماعی تاثیر می‌گذارد، بنابراین در کل می‌توان نتیجه گرفت که میان قابلیت‌های شهرسازی و کالتی در شهرهای کوچک با ارتقای شاخص‌های اجتماعی ارتباط مؤثری وجود دارد. لذا پیش‌بینی می‌شود که در یک نمونه بزرگتر نیز از همان جامعه، فرضیه پژوهش تأیید گردد. حال با توجه به آزمون‌های پیش‌روی، قدرت پیش‌بینی متغیرهای ملاک مورد سنجش قرار می‌گیرد. بنابراین جدول ۱۲ و شکل ۲ به بررسی قدرت پیش‌بینی متغیرهای ملاک در فرضیه پژوهش می‌پردازد.

جدول ۱۲ - قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک در فرضیه اول پژوهش

متغیر ملاک			متغیرهای پیش‌بین		
نتیجه	شاخص استون - Q^2	نتیجه	نتیجه	R^2 تنظیم شده	شهرسازی و کالتی
بسیار قوی	۰/۴۰۴	بسیار قوی	بسیار قوی	۰/۶۹۷	

جدول ۱۲ نشان می‌دهد که شاخص R^2 تنظیم شده برای متغیر ملاک یا درون‌زا آورده شده است و مقادیر آنها با سه مقدار ۰/۱۹ (کیفیت پیش‌بینی ضعیف)، ۰/۳۳ (کیفیت پیش‌بینی متوسط) و ۰/۶۷ (کیفیت پیش‌بینی قوی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. این امر گویای این مطلب است که شهرسازی و کالتی به میزان ۷۰٪ و به صورتی بسیار قوی، شاخص‌های اجتماعی را به عنوان متغیر درون‌زا و یا ملاک مورد پیش‌بینی قرار می‌دهد. از طرفی آزمون Gof که مربوط به شاخص نیکویی برازش می‌باشد، با مقدار ۰/۵۸۹ با سه مقدار استاندارد ۰/۰۱ (کیفیت سنجی ضعیف)، ۰/۲۶ (کیفیت سنجی متوسط) و ۰/۳۶ (کیفیت سنجی قوی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و مشخص می‌شود که قدرت برازش این نرم‌افزار جهت بررسی فرضیه اول پژوهش در حد بسیار قوی است. همچنین شاخص استون - Q^2 برای متغیر درون‌زا آورده شده است و مقادیر آنها با سه مقدار ۰/۰۲ (کیفیت مدل ساختاری ضعیف)، ۰/۱۵ (کیفیت مدل ساختاری متوسط) و ۰/۳۵ (کیفیت مدل ساختاری قوی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ لذا مشخص شد که برای متغیرهای شاخص‌های اجتماعی به میزان ۴۰٪ است و این شاخص نشان می‌دهد که کیفیت مدل ساختاری در فرضیه پژوهش به صورتی بسیار قوی ارزیابی می‌شود و مدل اندازه‌گیری پژوهش در حالت تخمین ضرایب و معناداری ضرایب در شکل ۲ آورده می‌شوند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصله در این پژوهش نشان می‌دهد که در برنامه‌ریزی و کالتی ارتباط مؤثری با ارتقای شاخص‌های اجتماعی در شهرهای کوچک دارد؛ زیرا برنامه‌ریز به عنوان یک متخصص نقش وکیل اجتماعات شهری شهرهای کوچک را بر عهده می‌گیرد و با لحاظ کردن خواسته اکثریت جامعه می‌تواند رضایت شهروندان را به همراه آورد و نیازهای واقعی آنها را پیگیری نماید. برنامه‌ریزی شهری و کالتی در زمینه‌های خدماتی، آموزشی، بهداشت و حمل‌ونقل می‌تواند زیرساخت‌های شهرهای کوچک را توسعه دهد و خدمات ناشی از آن را افزایش بدهد. توسعه شهرهای کوچک با برنامه‌ریزی شهری و کالتی با ارتباط مستقیم و چهره‌به‌چهره با شهروندان، افزایش رضایت شهروندان از زندگی را به همراه دارد و می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و نیازهای شهروندان و همچنین به شناسایی پتانسیل‌های (پنهان از نظر برنامه‌ریزان) یاری رساند. برنامه‌ریزی شهری و کالتی در راستای آموزش، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به ساکنان می‌تواند سطح دانش شهروندان را بالا ببرد، نرخ بیکاری را کاهش دهد و مهارت‌های شغلی شهروندان را بهبود ببخشد (Högberg et al, 2019).

این موضوع باعث جذب سرمایه‌گذاران و ایجاد فرصت‌های شغلی در شهرهای کوچک می‌شود. ایجاد این فرصت‌های شغلی رضایت شهروندان و کاهش نرخ بیکاری را به دنبال دارد؛ دسترسی به امکانات آموزشی بیشترین میزان تاثیر را بر شاخص‌های اجتماعی شهرهای کوچک دارد که این نتیجه‌گیری با تحقیق رومانیلوس^{۱۶} و همکارانش (۲۰۱۸) هم‌راستا است. با افزایش امکانات آموزشی در شهرهای کوچک شاخص‌های اجتماعی مانند ارتقا سطح تحصیلات و سطح دانش، ارتقای سطح سلامت جسمی و روحی خانواده‌ها و کاهش نرخ بیکاری بهبود می‌یابد علاوه بر این قرارگرفتن شهروندان شهرهای کوچک در محیط‌های آموزشی می‌تواند به بهبود شاخص‌های اجتماعی مانند ایجاد جامعه متفکر و مطالبه‌گر و آگاه به نیازهای واقعی و

اساسی شهر و نیز افزایش همبستگی و توسعه فرهنگ کمک کند. باتوجه به پژوهش صورت گرفته در این زمینه می توان گفت شهرسازی وکالتی با برنامه ریزی به نفع اکثریت جامعه بر روی سرمایه های اجتماعی و منفعت منابع انسانی تأکید دارد. رسیدن به آنچه که شهروندان از شهرسازی انتظار دارند، می تواند رضایت و رفاه اجتماعی در جامعه را بهبود دهد و ارتقا شاخص های اجتماعی را به دنبال داشته باشد. شهرسازی وکالتی فرایند اجرای برنامه ریزی ها و همخوانی آن با عدالت اجتماعی را تبیین می کند در مجموع می توان چنین گفت که شهرسازی وکالتی با ایجاد اصلاحات شهری در چارچوب نظام برنامه ریزی شهری، یک بستر مشارکتی و بر پایه عدالت برای شهرهای کوچک ایجاد می کند. (Mazziotti, 1974). توزیع عادلانه خدمات می تواند با تأمین خدمات بهداشتی منجر به بهبود سلامت شهروندان شود (Pu, 2021).

توزیع عادلانه خدمات آموزشی نیز می تواند فرصت تحصیلات را برای شهروندان فراهم کند از قیاس نتیجه فرضیه پژوهش و پیشینه های پژوهش، به این نتیجه می رسیم که میان قابلیت های شهرسازی وکالتی در شهرهای کوچک با ارتقای شاخص های اجتماعی ارتباط وجود دارد. چرا که رویکرد توسعه اجتماعی رویکردی است با دیدگاه برنامه ریزی و مدیریت از پایین به بالا (Semeraro et al, 2020) و مبتنی بر توانمندسازی و نگرش دارایی - مبنای تأکید بر منابع انسانی و سرمایه های اجتماعی و به دنبال تعامل اجتماعی، مشارکت جمعی ساکنان محله را در دستور کار قرار داده است (Bleas, et al, 2019) و لذا باتوجه به نتایج حاصله می توان گفت توزیع عادلانه خدمات از سوی حاکمیت می تواند به ارتقا شاخص های اجتماعی شهرهای کوچک کمک کند (Morton, 2008).

بنابراین برنامه ریزی شهری وکالتی با توجه داشتن به آنچه که مردم می خواهند و ارتباط نزدیک با آنها و برنامه ریزی کردن برای اجرای آن خواسته ها می تواند شاخص های اجتماعی و رفاه عمومی را ارتقا دهد.

پی نوشت ها

1. Advocacy Planning
2. Non-governmental organization
3. Interest Groups
4. Poul Davidoff
5. Tore Sager
6. Lobbying
7. Mobilising
8. Networking
9. Media
10. Raising awareness
11. Fornell-Larcker
12. Cronbach's Alpha
13. Composite Reliability (CR)
14. Spearman
15. Commuality Cros Vality (CV com)
16. Romanillos

منابع

- اجالای، پرویز، رفیعیان، مجتبی، عسگری، علی (۱۳۹۸). نظریه برنامه ریزی: دیدگاه های سنتی و جدید. تهران
- آزادارمکی تقی، مبارکی مهدی & شهبازی زهره. (۱۳۹۰). بررسی و شناسایی شاخص های کاربردی توسعه اجتماعی (با استفاده از تکنیک دلفی).
- رئیس، محمدکریم، حافظ رضازاده، معصومه و کریمیان بستانی، مریم. (۱۳۹۹). نقش کارکردی شهرهای کوچک در توسعه شاخص های پایداری شهرهای حوزه نفوذ (مطالعه موردی: شهرستان نیکشهر). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای) - 639, 10(40), 657.
- Aerni, P. (2016). Coping with migration-induced urban growth: Addressing the blind spot of UN habitat. Sustainability, 8(8), 800.

- Almeida-Mendes, W. D., Pimenta-Magalhães, F. G. G., Almeida-Mendes, W. D., Silva, T. A. D., & Rodrigues, W. (2018). Analysis of Human Development and the Multidimensional Context. *Revista Internacional de Investigación en Ciencias Sociales*, 14(2), 97-108.
- Blears, Hazel, and David Blunkett, 'The Road to Empowerment', in Henry Tam (ed.) , *Whose Government is it? The Renewal of State-Citizen Cooperation* (Bristol, 2019; online edn, Policy Press Scholarship Online, 19 Sept. 2019), <https://doi.org/10.1332/policypress/9781529200980.003.0005>
- Castro, M. A., & Azcárraga, G. C. (2010). *Handbook for Advocacy Planning*. (M. A. Castro, R. A. Pérez, & G. C. Azcárraga, Eds.) Retrieved from www.ippfwhr.org
- Davidoff, P. (1965). Advocacy and pluralism in planning. *Journal of the American Institute of planners*, 31(4), 331-338.
- Grooms, W., & Frimpong Boamah, E. (2018). Toward a political urban planning: Learning from growth machine and advocacy planning to “plannitize” urban politics. *Planning Theory*, 17(2), 213-233.
- Guy, R. (2013). We shall not be moved: Hank Williams village and the legacy of advocacy planning. *Humanity & Society*, 37(2), 159-175.
- Habibi, S., & Zebardast, E. (2016). How compact are midsize cities in Iran?. *Journal of urban planning and development*, 142(4), 05016004.
- Halseth, G., & Ryser, L. (2016). Rapid change in small towns: When social capital collides with political/bureaucratic inertia. *Community Development*, 47(1), 106-121.
- Högberg, B., Voßemer, J., Gebel, M., & Strandh, M. (2019). Unemployment, well-being, and the moderating role of education policies: A multilevel study. *International Journal of Comparative Sociology*, 60(4), 269-291.
- Kaplan, M. (1969). Advocacy Aimd the Urban Poor. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(2), 96-101.
- Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. *Personnel psychology*, 28(4).
- Mazziotti, D. F. (1974). The underlying assumptions of advocacy planning: pluralism and reform. *Journal of the American Institute of Planners*, 40(1), 38-47.
- Mingaleva, Z., Sheresheva, M., Oborin, M., & Gvarliani, T. (2017). Networking of small cities to gain sustainability. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 5(1), 140-156.
- Mohamed, A. I. A., Mohammed, M. O., Barom, M. N. B., & Bin, N. (2020). A critical analysis of social development: features, definitions, dimensions and frameworks. *Asian Social Science*, 16(1), 14-21.
- Morton, L. W., Chen, Y. C., & Morse, R. S. (2008). Small town civic structure and interlocal collaboration for public services. *City & Community*, 7(1), 45-60.
- Özdemir-Ulutaş, E. (2019). The role of the expert knowledge in politicizing urban planning processes: A case from Istanbul. *Planning Theory*, 18(2), 237-259.
- Parker, G., & Street, E. (2017). Neo-advocacy for neo-liberal times: Planning Aid and the Advocacy Project in England. *Town Planning Review*, 88(4), 443-463.
- Pu, L. (2021). Fairness of the distribution of public medical and health resources. *Frontiers in public health*, 9, 768728.
- Rao, M. V. (2012). Paul Davidoff and planning education: A study of the origin of the urban planning program at Hunter College. *Journal of Planning History*, 11(3), 226-241.
- Riffat, S., Powell, R., & Aydin, D. (2016). Future cities and environmental sustainability. *Future cities and Environment*, 2, 1-23.
- Sager, T. (2022). Advocacy planning: were expectations fulfilled?. *Planning Perspectives*, 37(6), 1205-1230.

- Semeraro, T., Zaccarelli, N., Lara, A., Sergi Cucinelli, F., & Aretano, R. (2020). A bottom-up and top-down participatory approach to planning and designing local urban development: Evidence from an urban university center. *Land*, 9(4), 98.
- Zulfiqar, M. U., & Kausar, M. (2023). Historical development of urban planning theory: Review and comparison of theories in urban planning. *Int. J. Innov. Sci. Technol*, 5(1), 37-55.

Explaining the capacities of Advocacy planning to improve social indicators in small towns, a case example: small towns in the north of Hamedan province

Seyed Mohammad Javad Hosseini Morasa*, *Department of Urban Planning & Design, shQ.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

Amirhosseinpour Johari, *Department of Urban Planning & Design, shQ.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

Kianoush Zakir Haghighi, *Department of Urban Planning & Design ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

Received: 2024/5/11

Accepted: 2024/9/19

Extended Abstract

Introduction: Considering the importance of promoting sustainable development in small cities and the growing necessity for inclusive urban planning models, this study focuses on advocacy planning as a strategic framework to enhance social indicators in small urban areas. Small cities, often overlooked in national policies, face structural and socio-economic challenges that necessitate locally grounded, participatory planning. Advocacy planning—introduced by Paul Davidoff—offers a rights-based, community-oriented perspective that enables planners to act as advocates for marginalized or underrepresented groups. The objective of this study is to examine the capacities of advocacy urban planning in enhancing key social indicators and to develop a conceptual model tailored to the conditions of small cities in northern Hamadan Province, Iran.

Methodology: This applied and exploratory-explanatory research employed a mixed-methods approach. In the qualitative phase, data were collected through semi-structured interviews with 12 academic and executive experts. Thematic analysis was conducted using MAXQDA 2020 and iMindMap 9. The quantitative phase involved a structured survey of 384 citizens from the small cities of Kabudarahang, Razan, and Damaq. Statistical analyses were performed using SPSS v26 and SmartPLS v3, including t-tests, Kendall's coefficient, confirmatory factor analysis, and structural equation modeling to assess the validity and predictive power of the proposed model.

Results: The results demonstrated that advocacy planning significantly impacts social indicators ($\beta = 0.791$, $p < .001$). Key advocacy planning components identified were: financial, participatory, responsibility, empowerment, equity, decision-making, and educational. Among them, the responsibility and educational dimensions had the highest mean impacts. Regarding social indicators, six categories were analyzed: justice, transportation, education, public services, social capital, and healthcare. Structural equation modeling confirmed strong model fit (Adjusted $R^2 = 0.829$, GOF = 0.698, $Q^2 = 0.632$). All dimensions showed statistically significant and positive contributions, with service access and social capital being the most influential.

Conclusion: This study confirms that advocacy urban planning can play a pivotal role in improving social indicators in small cities by fostering participatory governance, strengthening social capital, and improving access to basic services. Planners adopting an advocacy role can bridge the gap between communities and authorities, ensuring that urban development is responsive to local needs and grounded in equity. The proposed model can be generalized to similar urban contexts and provides a practical framework for policymakers and urban planners seeking to implement justice-oriented planning approaches in small cities.

Keywords: advocacy planning, social development, small cities, participatory governance.

* Corresponding Author's E-mail: m.hoseinymorasa@gmail.com